

## مقاله پژوهشی

# مطالعه تطبیقی تحولات فضای عمومی در سازمان فضایی شهر بندرهای هرمزگان تحت تأثیر تغییر پارادایم اقتصادی و فرهنگی

## (مورد مطالعه: لافت، کنگ، هرمز)\*

سیده حسنا حسینی نسب\*\*

کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

**چکیده** فضای عمومی هر شهر از مظاهر اصلی بروز هویت، تاریخ اجتماعی و رویکرد مردمان آن شهر است که به نسبت شکل و نوع امکانات طبیعی و جغرافیایی، اقتصاد و سنن فرهنگی، مختصات ویژه و متمایزی خواهند یافت. شهر بندرهای استان هرمزگان که از دیرباز مراکز منطقه‌ای شاخص صیادی، تجارت و بازرگانی بوده‌اند، به سیاق بسیاری از شهرهای در حال توسعه کشور، با چالش‌هایی در زمینه توسعه پایدار شهری از جمله فرسودگی بافت تاریخی، رشد سریع جمعیت، دسترسی محدود به منابع و تخریب محیط زیست مواجه‌اند. در این شرایط، فضاهای عمومی به مثابه نقاط عطف ساختار فضایی شهر، به محملی برای بروز این تعارضات، تغییرات و چالش‌ها بدل شده تا جایی که بعضاً در اثر تغییر گفتمان اقتصادی و فرهنگی توسعه محور، فضاهای جدیدی در ذیل این نقش شکل گرفته، فضاهایی تقویت یا تضعیف شده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی انتقادی و ارزیابی وضعیت موجود فضاهای عمومی و نقش آنها در توسعه پایدار بوده است. به نحوی که با فهم ریشه‌ها و نیروهای مؤثر در شکل‌گیری اینگونه فضاها از دیرباز تا کنون در سازمان فضایی شهر بندرهای مورد مطالعه، بتوان به روند توسعه و اصلاح آنها همت گمارد. این پژوهش در ذیل روش‌های تحقیق کیفی از طریق جمع‌آوری داده‌ها به واسطه مشاهدات میدانی، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و با استفاده از توصیف پدیده به روش تحلیلی انجام شده است. با بررسی تطبیقی سه نمونه مورد بررسی، الگوی مشابهی در تغییر مکان فضاهای عمومی در سازمان فضایی شهر دیده می‌شود. بارزترین علت این تغییر را می‌توان در ایجاد جاذبه‌های اقتصادی تحت تأثیر رونق گردشگری یافت. در حالی که در گذشته صیادی و کشتی‌رانی مؤلفه اصلی ساخت اقتصاد شهرهای دریایا پایه و شکل‌گیری ساختار شهرها بوده است؛ امروزه با رونق اقتصاد گردشگری، تغییر سبک زندگی و جلب سرمایه، تغییر از سطح برنامه و گردش مالی به سازمان فضایی شهرها نیز رسیده است. تداوم این موضوع علاوه بر تغییر در ساختار اقتصادی منطقه موجب حاکمیت گفتمان توسعه شده و سنت‌های مردم بومی، منظر شهر و نقاط عطف آن را نیز با تغییرات اساسی روبه‌رو کرده است.

**واژگان کلیدی** فضای عمومی، شهر بندر، توسعه دریایا پایه، سازمان فضایی، توسعه پایدار.

موضوعی که نه تنها به لحاظ کالبدی، بلکه فراتر از آن به صورت معنایی، شهرها را دستخوش تغییر قرار خواهد داد. در این خصوص نظر طاهره نصر (۱۳۹۳، ۲۳۱) قابل تأمل است که «اجزا و عناصر سازنده شکل شهر، نحوه ترکیب آنها و عامل زمان، همگی دارای قابلیت تداعی معنا، بالابردن قابلیت ایجاد تصویر ذهنی، ایجاد حس مکان و هویت شهری هستند... لذا آنچه به عنوان تصویر در ذهن مردم متصور است، ناشی از سازمان فضایی شهر است». با بررسی سازمان فضایی شهر بندرهای جنوب ایران که تحت تأثیر

**مقدمه** موقعیت جغرافیایی بندر و شهرهای جنوبی ایران - خصوصاً در اقلیم هرمزگان - از دیرباز به دلیل رشد شهرنشینی، مسئله آب و در سال‌های اخیر به دلیل رونق اقتصاد گردشگری، این منطقه را به کانون توجه حاکمیت‌ها (داخلی و خارجی) برای شتاب‌دهی فرایند توسعه بدل ساخته است، هر چند این رشد و توسعه به دلیل شتاب‌زدگی، می‌تواند تداوم سنت‌ها و فرهنگ اجتماعی عمومی را به مخاطره بیندازد و حتی سازمان فضایی شهرها را دگرگون کند.

\*\* نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۹۶۲۶۹۳۹۸، hosseininasab.hosna@gmail.com

- شناسایی تأثیر روندهای مؤثر بر فرایند توسعه بر ساخت فضای عمومی شهری و چگونگی مداخله در آنها. این دو پرسش اصلی می‌تواند به طور غیرمستقیم به پرسش کلان سوم در خصوص چیرستی نقش حاکمیت محلی و ملی در توسعه فضاهای عمومی شهرهای بندری هرمزگان و چگونگی بهبود این نقش در نگاه توسعه پایدار منتهی شود.

### فرضیه پژوهش

تغییر مکان فضاهای عمومی شهربندری جنوبی ایران به مثابه عرصه‌های اجتماعی تعامل با فضای قدسی، اقتصاد و ساختار محلات به فضاهای شهری جدید (به لحاظ مکانی و فعالیتی)، غالباً در اثر تغییر پارادایم اقتصادی با ترویج اقتصاد گردشگری و توجه به ظرفیت‌های متأثر - تغییر گفتمان فرهنگی - اجتماعی شهربندرها - شکل گرفته است. تحت تأثیرات این تغییرات، عرصه‌های تعاملات اجتماعی از مراکز پیشین (غالباً تحت تأثیر اقتصاد بازرگانی و محل قرارگیری مساجد و ابنیه مذهبی) به سمت دریا (به مثابه گرانیگاه و برآیند بردار ساختارهای پیشین و روندهای جدید) کشیده شده و با کمرنگ شدن فعالیت‌های آیینی، تغییر نسل و شناخت ظرفیت‌های جدید بندر و دریا (گردشگری)، رفته رفته به لحاظ جانمایی و عملکرد فضاهای عمومی استحاله شده و یا در شکل جدید تغییر مکان یافته‌اند. موضوعی که در فرایندی دوسویه نشان از تغییر در ارزش‌ها و گفتمان غالب فرهنگی - اقتصادی شهربندری هرمزگان نیز دارد.

### روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله در ذیل روش‌های کیفی پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی است که بر مبنای مشاهدات میدانی، بررسی‌های کتابخانه‌ای و اسنادی شکل گرفته است. در این پژوهش سعی بر این بوده است تا با نگاه کل‌نگر و مشاهده تفصیلی به بررسی تطبیقی اطلاعات از دو جنبه تغییرات و تأثیرات پرداخته شود. همچنین مصاحبه با مسئولین و مردم محلی در ساخت مسئله و فرضیه مستخرج از آن نقشی به سزا ایفا کرد و مبنای تحلیل ساختارهای مورد مطالعه و توصیف وضعیت پدیده، قرار گرفت. شیوه تحلیل تطبیقی مورد استفاده در این پژوهش به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیامدها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ مقیاس مانند مناطق، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها (غفاری، ۱۳۸۸)، در پی تحلیل اثر تغییرات گفتمانی کلان اقتصاد و فرهنگ منطقه بر سازمان فضایی شهربندری هرمزگان در فرایند تحلیل قیاسی نتایج این تغییرات در بازه زمانی و شرایط زمینه‌ای تقریباً مشابه است.

### پیشینه پژوهش

در بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص مطالعات فضاهای

عوامل محیطی همچون: اقلیم، دریا و فرهنگ مردم شکل گرفته است، می‌توان دریافت که فضای عمومی این شهرها - به مثابه اندام‌واره‌های اصلی تحقق زیست اجتماعی و به سبب غالب شهرهای سرزمین ایران - در گفت‌وگویی مداوم با فضای مقدس و تحت تأثیر اقتصاد غالب منطقه شکل گرفته‌اند.

فضای عمومی دارای ساختاری چندعملکردی - همزمان سیاسی و اجتماعی - است و «نشاندنده پویایی اجتماعی - سیاسی یک زمان و مکان خاص و محل مهمی برای نمایش روایات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یادآور قدرت یک گروه است» (Hatuka, 2012, 2020, 358).

ابعاد ماهوی و عملکردی فضای عمومی تحت تأثیر سلسله‌ای از روابط به مثابه واکنش زنجیره‌ای و اثر پروانه‌ای تغییر می‌یابد. تغییری کوچک در فرایندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کلان شهری، تغییر جزئی در شرایط اولیه فضای عمومی، اقدامات انسانی فردی یا گروهی و حتی تحول زمینه یک فضای عمومی در نقطه دیگری از شهر ممکن است به نتایج وسیع و پیش‌بینی‌نشده‌ای در عمومیت فضا بیانجامد (ابرقویی فرد و همکاران، ۱۴۰۱، ۹۷).

فضاهای عمومی شهرهای بندری هرمزگان نیز به همین طریق عموماً ظرف تعاملات اجتماعی و محل انعکاس سنن و آیین‌های مردم محلی بوده است. این فرایند به مرور زمان، فضاهای عمومی را تحت تأثیر توسعه شهرها، تغییرات اجتماعی، اقتصادی و طبیعی؛ دست‌خوش تغییرات فرمی، مکانی و محتوایی کرده است. تحولات فضایی مکان تعاملات اجتماعی در شهرهای بندری استان هرمزگان، نمونه قابل‌خوانشی از این تغییرات است. از همین رو شناخت مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری و مکان‌یابی آن به تدقیق و بازآرایی مؤلفه‌های منظر شهری و به توسعه پایدار شهر کمک کرده است و می‌تواند در برنامه‌ریزی شهری جهت پیش‌بینی مکان تعاملات اجتماعی نقش مؤثری ایفا کند.

پژوهش پیش‌رو از طریق بررسی تطبیقی و آسیب‌شناسی نمونه‌های موردی معرفی شده در شهرهای بندری استان هرمزگان در کنار شناخت عوامل مؤثر بر آن، در پی آن است تا علاوه بر فهم ریشه‌های تغییرات فضایی و کالبدی در اندام شهر، به اصلاح جهت‌گیری‌های توسعه این خطه و شناخت حاکمیت محلی و ملی از تغییرات مبنایی و فضایی شهربندرها و تصمیم‌گیری جهت سیاست‌گذاری توسعه پایدار شهربندری ایرانی کمک‌کننده شایان کند.

در نتیجه شناخت گفتمان غالب اقتصادی و فرهنگی اقلیمی شهربندرها، امکان فهم روندهای گذشته و پیش‌بینی تحولات آینده فضاهای منظرین شهری را فراهم می‌آورد. در این چارچوب اصلی‌ترین پرسش‌های پژوهش برای تحلیل موضوع و ایجاد ارتباط میان سیاست‌های توسعه دریابایه و ساختار شهربندری استان هرمزگان عبارت‌اند از:

- تشخیص عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تغییرات فضایی فضاهای عمومی شهرهای بندری استان هرمزگان.

عمومی شهرهای بندری جنوب ایران و نحوه تغییرات و اثرپذیری آن از عوامل فرادستی، چهار گروه پژوهش قابل شناسایی و دسته‌بندی هستند:

- گروه نخست از این پژوهش‌ها، با تمرکز بر موضوع سیاست‌گذاری توسعه، نقش حاکمیت (کلان و محلی) را در این موضوع بر سایر تغییرات حادث‌شده در ساختار فضایی شهرها مقدم می‌دانند. مقاله «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی به‌دلایل توسعه بندر لافت به سمت دریا» نوشته مه‌رمان علی‌الحسابی (۱۳۹۰) ضمن اشاره به نقش نیروهای تصمیم‌گیرنده محلی در توسعه، عوامل این امر را تغییرات انجام‌شده شناخت مردم در گذر زمان نسبت به ظرفیت‌های استراتژیک بنادر از جهت تعامل با دریا و ایجاد اسکله از یک سو و ایجاد نگاه آینده‌نگرانه در مردم این شهرها به جهت جذب گردشگر با مکان‌یابی مراکز رویدادمحور در کرانه ساحل و اسکله‌ها از سوی دیگر می‌داند. در این گروه ضمن اشاره به نقش نیروهای تصمیم‌گیرنده محلی در توسعه، تغییرات شناختی مردم از ظرفیت‌های توسعه بنادر و جذب گردشگر را عامل مکان‌یابی مراکز رویدادمحور در کرانه ساحل و اسکله‌ها می‌داند. به‌نظر می‌رسد خلأ اساسی این گروه از پژوهش‌ها در تبیین جامع موضوع در مطالعه فضاهای عمومی شهری و عوامل مؤثر بر ساخت آنها بوده است. این گروه از پژوهش‌ها غالباً با عبوری سطحی از ساختار فضاهای عمومی شهری، تنها به بسط عامل مطلوب خود (نقش حاکمیت و سیاست‌گذاری‌ها) و نقش آن در توسعه پرداخته‌اند. علاوه بر این در رویکردی موازی، گروه دوم پژوهش‌ها با تمرکز بر زمینه کیفیت‌های محیطی شهرهای بندری به‌نحو گسترده‌ای از تأثیر تغییرات تدریجی پارادایم‌های کلان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر تغییرات ساختاری شهری چشم‌پوشی کرده و بر عوامل کالبدی و معنایی ساخت فضای شهری - عمدتاً از زاویه دید معمار و شهرساز - پرداخته‌اند. در این گروه می‌توان به مقاله علی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «شاخصه‌های کیفیت محیطی در شناسایی اولویت‌های مداخله در محدوده بافت فرسوده شهر بندر لنگه» اشاره کرد که بافت سنتی بندر لنگه را فرسوده ارزیابی کرده و همین عامل را دلیل از دست‌رفتن هویت، کارکرد و پویایی شهری آن بیان می‌کند و به‌نحوی از بین‌رفتن معنایی و کالبدی محیط‌های موجود را عامل ایجاد فضاهای شهری جدید در این مناطق می‌داند. همچنین در گروه سوم این پژوهش‌ها مقالات متنوعی به نقش گردشگری و اکوتوریسم در قشم و استان هرمزگان پرداخته که غالباً در پی تبیین وابستگی توسعه پایدار به ارتقای گردشگری بوده‌اند. محمد اکبرپور سراسکانرود و نوربخش (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «نقش اکوتوریسم در توسعه پایدار شهری و روستایی نمونه‌موردی: «جزیره قشم»» و قنبری و حسینی‌نیا (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی تأثیر توانمندسازی بافت فرسوده شهری بر ارتقای گردشگری بومگرا» به پیوند اقتصاد گردشگری و توسعه قشم پرداخته‌اند. اما آنچه در این دسته از مقالات دیده نمی‌شود چگونگی اثرگذاری زنجیروار

غلبه اقتصاد گردشگری در ساخت فضای عمومی در شهر بندرها و تغییرات مبتلا به آنهاست. در عموم پژوهش‌های انجام‌شده در ذیل این گروه، تغییرات از زاویه بیرونی دیده و همه عوامل از جمله ساختار فضایی شهر در درجه دوم اهمیت و در خدمت امر توسعه و اقتصاد گردشگری تعریف شده‌اند.

- در این میان گروه اندکی (دسته چهارم) از مقالات با توجه به تأثیر تقابل عاملیتی کلان مردم و نهادهای قدرت به شکل نظری به معیارهای شکل‌گیری فضای عمومی پرداخته‌اند و ابعاد چندگانه آن را که متأثر از نیروهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، بررسی کرده‌اند. همچون مقاله «مروری روایی بر نظریه‌های مرتبط با مفهوم فضای عمومی در شهر» و «نظریه شکل خوب فضای عمومی مروری انتقادی بر معیارهای شکل‌گیری فضای عمومی کارآمد» که به قلم حمیده ابرقویی فرد و همکاران (۱۴۰۱، ۱۴۰۲) نگاشته شده است. مورد قابل نقد در خصوص این گروه متأخر، عدم‌وزن‌دهی و تقدم‌بخشی به عوامل مؤثر بر تغییرات فضای عمومی شهری است، به‌نحوی که با غلبه نگاه جامع‌نگرانه و ذکر کلیدواژه‌وار عوامل مؤثر، خلأ فهم چگونگی اثرگذاری عوامل فرادستی بر یکدیگر و بر ساختار فضای عمومی شهری همچنان وجود دارد.

اخذ رویکرد منظرین در بررسی این موضوع، با فهم اولویت عوامل فرادست و مؤثر، ارتباط داخلی عوامل بر یکدیگر و بر ساخت فضای شهر بندرهای هرمزگان در کنار بررسی تطبیقی نمونه‌موردی‌های خاص، راهبرد این پژوهش در راستای پر کردن خلأهای موجود در ادبیات این گروه از پژوهش‌ها بوده است.

## مبانی نظری

### • نقش فضای عمومی در شهرهای ایران

فضای عمومی به‌عنوان یکی از عناصر مهم در سازمان فضایی شهر یک پدیده انتزاعی است که با فعالیت و تعاملات انسان‌ها معنی و ارزش می‌یابد. در دیدگاه کلی فضاهای عمومی به دلایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشت عمومی و تنوع زیستی، عناصر اساسی برای پایداری شهرها هستند (Banerjee, 2001). فضای عمومی فراتر از صحنه رقص آرایشی زندگی روزمره، ساختاری چندعملکردی دارد. در طول تاریخ فضاهای عمومی، به‌عنوان گره‌هایی یکپارچه برای پاسخگویی به انواع نیازهای ابزاری (فردی) و بیانی (جمعی) کارکرد داشته‌اند. امروزه فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌هایی برای رشد فرد و جامعه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بیانگری فردی و گروهی، گفتگو و مناقشه، گذران اوقات فراغت، برگزاری گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها، اعتراضات و تظاهرات، تأمین اقتصادی و تبادل اطلاعات مطرح‌اند (Madanipour, 2010, 10; Mehta, 2014, 55; Hou, 2010, 2; Mehta & Palazzo, 2020, 2). براتی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۴). بر این اساس فضای عمومی ساختاری چندعملکردی دارد که هم‌زمان به سوی وجوه متعدد حیات شهروندان و نیازهای متفاوت سوژه‌های انسانی جهت‌گیری می‌کند. در نتیجه بعد کالبدی فضای

عمومی، صرفاً تجلی ملموس طراحی و تعیین‌های قانونی نیست؛ بلکه عنصری فعال در جسمیت‌بخشی به ابعاد اجتماعی-فرهنگی و سیاسی آن است (Harvey, 2012; Crestani & Brandão, 2018; Crestani & Irazábal, 2020, 390).

در شهرهای پیش از اسلام، چنین به نظر می‌رسد که شکل‌گیری فضا در این شهرها بیشتر از طریق عناصر مقدس انجام می‌گرفت تا جریان زندگی و روابط انسان‌ها. بنای شهر در موارد چشمگیری با ساخت آتشکده و ایجاد آتش بهرام در داخل یا بیرون از شهر همراه بود (کارنامه اردشیر بابکان به نقل از حقیقی بروجنی و رهروی‌پوده، ۱۳۹۹، ۳۷۶). در قرن یک تا چهارم هجری بنای مسجد از دیگر اقدامات اسلام در تغییر کالبد شهرهای ایران به‌شمار می‌رود. اگرچه شهرها در آن قرون شاهد دگرگونی و تغییر در شکل مسجد جامع و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر بودند، آنچه در تمامی آن دوران قابل ذکر است، نقش مساجد به‌عنوان پایگاهی اجتماعی است. در این دوران مسجد هسته مرکزی شهر است و به نظر می‌رسد به‌همین سبب، در اکثر شهرها مسجد به‌گونه‌ای قرار می‌گیرد که چندین ورودی به بافت اطراف خود دارد و همواره محل گذر ساکنان منطقه است و دیدارهای چهره‌به‌چهره روزمره در آن اتفاق می‌افتد (حقیقی بروجنی و رهروی‌پوده، ۱۳۹۹، ۳۸۰). به‌طور کلی در این دوره حیاط مساجد و معابر مشجر از مکان‌های اصلی بروز تعاملات اجتماعی و تشکیل فضای عمومی است. قرن چهارم تا هفتم در ایران با رشد چشمگیر هنر و شهرنشینی همراه است و با حذف حیاط مساجد جامع (مساجد اصلی شهر و نه مساجد در مقیاس محلی) از جمع فضاهای باز عمومی در اغلب موارد، میادین شهری با کارکرد عمومی پدید آمدند.

پس از این مقطع تاریخی تا آغاز دوران صفویه، فضاهای جمعی روندی رو به جلو با شیبه نسبتاً یکنواخت داشتند که می‌توان آن را نتیجه تکامل تدریجی فرهنگ شهرنشینی دانست. به‌طور مثال، میادین شهری در قرون هفتم تا یازدهم فعالیت‌های متنوع‌تری را نسبت به دوره‌های پیشین پوشش می‌دادند (همان، ۱۳۹۲).

به‌طور اجمالی می‌توان نقش فضاهای عمومی در سازمان فضایی شهرهای ایران را این‌چنین تبیین کرد که این دست‌فضاها از دیرباز تا امروز نقش حیاتی و چندوجهی در ساختاربخشی به شهر داشته‌اند. موضوعی که به‌دلیل همبستگی تاریخی امر معنوی در جامعه ایرانی با ساختار زندگی روزمره، ساخت فضاهای عمومی را نیز متأثر از خود ساخته است. این موضوع در دوران پیش از اسلام، با شکل‌گیری فضاهای عمومی که تحت‌تأثیر عناصر مقدس بود، واقع شد. بعدتر و با ورود اسلام، این روند همچنان ادامه یافت و مساجد به‌عنوان هسته مرکزی شهرها، محلی برای تعاملات اجتماعی و دگرگونی ساختار فضایی شدند. از قرن چهارم تا هفتم هجری، با رشد شهرنشینی و هنر، مراکز محلی در ارتباط با مکان‌های مذهبی و بازار، به‌عنوان فضاهای عمومی جدید گسترش یافتند. در دوران صفویه، فضاهای جمعی روند تکامل خود را ادامه

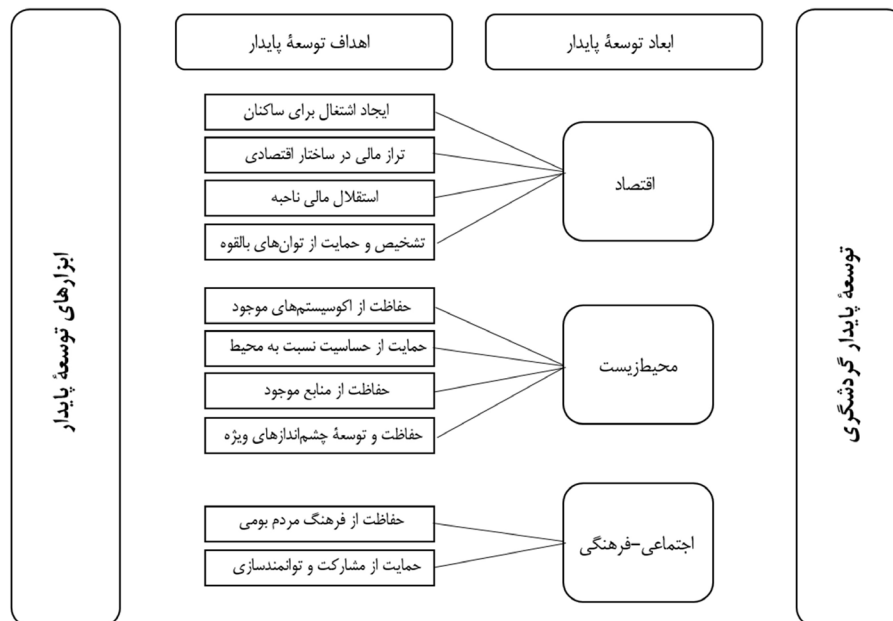
و میادین شهری مقیاس و فعالیت‌های متنوع‌تری را پوشش دادند. امروزه با امتداد این روند و ورود منطبق شهرسازی جهانی به نظام برنامه‌ریزی شهری، فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌هایی برای رشد فرد و جامعه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، گذران اوقات فراغت، برگزاری گردهمایی‌ها و تعاملات اجتماعی به‌حساب می‌آیند. این فضاها با ساختاری چندعملکردی و در تعامل پیوسته با ارزش‌های جامعه، نقش اساسی در پایداری شهری و جسمیت‌بخشی به ابعاد اجتماعی-فرهنگی و سیاسی دارند.

#### • نسبت توسعه پایدار با فضای عمومی

توسعه پایدار سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی را دربر می‌گیرد. این ابعاد دارای ساختاری مشخص و نظامی سلسله‌مراتبی هستند (تصویر ۱). علاوه‌بر این هر یک از این ابعاد وزن مخصوص به خود را در توسعه پایدار دارند. تعیین وزن هر یک از این ابعاد به ویژگی‌های موضوع مورد مطالعه بستگی دارد (Birkmann, 2000). به نقل از اکبرپورسراسکانرود و نوربخش، (۱۳۸۹).

فضای عمومی یک شهر به‌عنوان بستری برای بروز زیست اجتماعی و فرهنگی که در آن قرار دارد، می‌تواند وضعیت تعادل و توسعه اجتماعی یک جامعه را در گفتمان توسعه پایدار ارزیابی کند. همچنین تغییرات این دست‌فضاها می‌تواند نشانه‌ای از تغییرات سازمان فضایی و شکل شهر باشد و نحوه توسعه شهر را نشان دهد که خود به ابعاد اقتصادی و اکولوژیکی توسعه نیز اشاره دارد. مطالعه تطبیقی نمونه‌های موردی این پژوهش که همگی به تغییر مکانی، شکلی و حتی هویتی فضاهای عمومی شهربندرها رسیده‌اند، می‌تواند به‌عنوان بستر مطالعه روندهای جاری توسعه -عموماً تحت‌تأثیر توسعه اقتصادی به نفع اقتصاد گردشگری- به کار آیند و نسبت این برنامه‌های توسعه با توسعه پایدار را روشن سازند.

با توجه به مفاهیم توسعه پایدار، تغییر مکان و کاراکتر فضای عمومی باید دو شاخصه مشارکت اجتماعی و حفظ اصول فرهنگی داشته باشد. مشارکت جوامع محلی در فرایندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌های توسعه برای پایداری اجتماعی ضروری است. از سوی دیگر این‌گونه از تغییرات عموماً با شکلی از آبادانی در سطح همراه است که با توسعه تک بعدی و حذف بومیان همراه می‌شود، پس از رونق اقتصادی کوتاه مدت و فراهم‌آوردن امکانات سودزای مقطعی، در دراز مدت، به‌واسطه اشباع فضای فعالیت اقتصادی، افزایش و تورم قیمت مسکن و ناتوانی در امرار معاش منجر به حذف بومیان و یا تبدیل آنها به ساکنان موقتی می‌شود. در این بین، تله طبقاتی و اقتصادی افراد کم‌درآمد هم‌زمان به تله‌ای فضایی تبدیل می‌شود که با طردکردن بومیان از مناسبات اقتصادی سازنده در جزیره، مهاجرت مداوم و اجباری آنها را به مناطقی ارزان‌تر و توسعه‌نیافته‌تر منجر می‌شود. محدودیت مکانی و مرزی جزیره و در عین حال رشد جمعیت، امکان‌های زیست و گسترش فضایی را در جزیره به شدت کم می‌کند. به همین



تصویر ۱، ابعاد توسعه پایدار. مأخذ: اکبرپور سراسکانرود و نوربخش، ۱۳۸۹.

افسردگی، اغتشاش، هرج‌ومرج و فقدان مشارکت اجتماعی همراه است (Felix & El-Daghar, 2019). از همین رو استراتژی‌های توسعه پایدار همواره باید حفظ میراث اجتماعی و فرهنگی مردمان این منطقه را در اولویت قرار دهد. ساخت موزه مردم‌شناسی و مراکز رویداد محور در شهرهای کنگ و لافت و تأکید بر معماری اقلیمی و حضور صنایع دستی، خوراکی‌ها و پوشش محلی که در مراکز تعاملی جدید دیده می‌شود، نشانه‌های مثبتی از عاملیت بعضاً مستقل جوامع محلی برای تداوم سنت‌ها و گونه‌های زیست تاریخی مردم بومی است که می‌تواند به توسعه پایدار این مراکز کمک کند.

گسترش نامتوازن شهرها و عدم توجه به بافت‌های سنتی موجب فرسودگی و عدم کارایی مکان‌های تعاملی آن شده است. پدیده‌ای که در نمونه‌های موردی مطالعه‌شده به خوبی مشاهده می‌شود و حتی در بندر کنگ با وجود احیا بافت تاریخی آن به علت اینکه این نوسازی فقط در لایه پوسته بیرونی بافت و به شکل موضعی و موزه‌ای انجام‌شده، نتوانسته است حیات جمعی را به درون بافت برگرداند.

بروز دیگر این فرسودگی در فرایند گسترش نامتوازن و بی‌برنامه شهرهای بندری در فرسوده‌سازی ابنیه نوساز در بافت این شهرهاست. به نحوی که به دلیل عدم توانایی اقتصادی مردم و تمایل به برپاساختن سکونتگاه‌هایی با حداقل هزینه ممکن از ابتدا ابنیه‌ای احداث می‌شوند که عمر مفید آنها زیر ۱۰ سال است و در مدت کوتاهی به بافت فرسوده اضافه خواهند شد؛ موضوعی که بافت‌های شهری جدید را نیز متأثر از خود ساخته است و توسعه شهربندرها را تا سال‌ها با موضوع فرسودگی و کیفیت ساخت پایین درگیر کرده است.

براساس برآورد مسئولین وزارت مسکن و شهرسازی در بیش از ۹۱۱ شهر ایران حدود ۴۱ هزار هکتار بافت فرسوده شهری وجود دارد. تنها دولت قادر به تأمین حدود ۱۱/۱۲ درصد از اعتبار نوسازی این بافت‌های فرسوده است و بقیه باید از طریق مشارکت

ترتیب شیب تخریب محله‌های پیشینی و ساختارهای محلی صعودی خواهد بود (درویشی، ۱۴۰۱). از همین رو استراتژی‌های توسعه پایدار همواره باید حفظ میراث اجتماعی و فرهنگی مردمان این منطقه را در اولویت قرار دهد. ساخت موزه مردم‌شناسی و مراکز رویداد محور در شهرهای کنگ و لافت و تأکید بر معماری اقلیمی و حضور صنایع دستی، خوراکی‌ها و پوشش محلی که در مراکز تعاملی جدید دیده می‌شود، نشانه‌های مثبتی از عاملیت بعضاً مستقل جوامع محلی برای تداوم سنت‌ها و گونه‌های زیست تاریخی مردم بومی است که می‌تواند به توسعه پایدار این مراکز کمک کند.

### آسیب‌شناسی تحولات شهربندرها استان هرمزگان • فرسودگی بافت شهری

انقطاع در جریان معماری بومی منطقه و عدم نوسازی بافت شهری در دوره‌های متمادی، بافت غالب شهربندرها جنوبی هرمزگان را با آفت فرسودگی در کالبد، تخریب زیرساخت‌ها، آشفتگی بافت شهری و نقص در ادراک عموم از شهر مواجه ساخته است. این موضوع در زیست روزمره مردم موجب کاهش سطح کیفیت زندگی و آسیب به ساخت اجتماعی جامعه نیز شده است.

از نظر اجتماعی، بافت قدیمی شهربندرها استان هرمزگان به دلیل قدمت و فرسودگی و تخریب ناشی از آن، کمبود تجهیزات و تأسیسات شهری دچار نارسایی در پاسخگویی به نیازهای امروز زندگی شده است، به همین دلیل جمعیت بومی ساکن این بافت‌ها به حاشیه شهر مهاجرت کرده و مهاجران و اقشار کم‌درآمد جایگزین آنها شده‌اند، در نتیجه، بافت‌های قدیمی مناسب‌ترین مکان برای کج‌روی‌های رفتاری، ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری را فراهم کرده‌اند. زندگی در چنین مکان‌هایی با

شهروندان تأمین شود. در این میان بخش‌های قابل توجهی از قشم مخصوصاً در حاشیه‌های شمالی و در سمت دریا با ناکارآمدی‌های قابل توجهی مواجه هستند (جایکا، ۱۳۹۷).

### • معادلات اقتصادی

شیوه سنتی صید در جزیره قشم با بازدهی پایین، عدم پیوستگی بین بعضی از جزایر و ایزوله بودن آنها، ضعف شبکه ارتباطی میان جزایر و شهر بندرهای مرکزی، مهاجرت ساکنین برخی از جزایر شهرستان قشم، قاچاق، رکود فعالیت‌های اقتصادی مولد در برخی از جزایر از قبیل صید، از جمله اصلی‌ترین نقاط ضعف و کمبودهای موجود در معادلات اقتصادی منطقه است (اکبریور سراسکانرود و نوربخش، ۱۳۸۹، ۷۳). موارد ذکر شده از عواملی هستند که موجب روی آوردن بیش از پیش ساکنین جزایر قشم و شهر بندرهای استان هرمزگان به صنعت گردشگری شده است.

گردشگری در کنار این امر که می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه اقتصادی، امرار معاش و پیشرفت یک شهر داشته باشد، با عدم رعایت توسعه پایدار و برنامه‌ریزی متوازن در سطح شهر می‌تواند اثرات مخربی به همراه آورد. در نمونه‌موردی‌های مطالعه‌شده، تمرکز فعالیت‌های توریستی در کرانه‌های ساحلی، جذب سرمایه و توجه مسئولین به نوسازی و افزایش امکانات محلی برای این مواضع را به همراه داشته است. رشد صنعت گردشگری موجب پیدایش و رونق فضاهای عمومی جدیدی همچون پارک‌ها، موزه‌ها و مکان‌های فرهنگی در این شهرها شده و اقبال عمومی را به خود جذب کرده و موجب شده است تا مکان‌های تعاملی جدیدی در این نواحی شکل گیرد. این مکان‌های تعاملی جدید نه تنها از نظر مکان‌یابی متفاوت هستند بلکه به علت اینکه تحت‌تأثیر صنعت گردشگری و مقتضیات و نیازهای این صنعت در تعامل با گردشگران با فرهنگ‌ها و زمینه‌های مختلف شکل گرفته‌اند، از نظر ماهیتی نیز متفاوت از فضاهای عمومی گذشته این شهر بندرها و عموماً فضاهایی «برای گردشگران» هستند که مراجعه جامعه محلی به آنها یا بسیار محدود و یا صرفاً برای ارائه خدمات به گردشگران است.

شروع مباحث گردشگری پایدار در جوامع غربی مربوط به سال‌های آغازین دهه ۱۹۷۰ م. و اشاره به لزوم تقید برنامه‌ریزی توسعه و عملیاتی ساختن آنها به استراتژی توسعه و نویدبخشی برای ثبات و پایداری برای یک ناحیه یا یک کشور، بازمی‌گردد. به همین جهت برنامه‌ریزی توسعه و فعالیت‌های صنعت جهانگردی باید همه‌جانبه و جامع، دربرگیرنده همه بخش‌ها باشد تا سازمان‌های مختلف دولتی، شرکت‌های خصوصی و افراد بتوانند در آن شرکت کرده و از مزایای آن بهره‌گیرند (منشی‌زاده، ۱۳۸۴، ۱۵۲). به تعبیر سازمان جهانی گردشگری: «توسعه گردشگری عامل مؤثری در مقابله با فقر و ایجاد بسترهای مناسب به‌منظور افزایش درآمد اقشار مختلف، کاهش بیماری، رونق اقتصادی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی و رفاه

اجتماعی مردم به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته است» (اعرابی، ۱۳۸۵).

شهر بندرهای هرمزگان به‌دلیل جمیع آسیب‌های ذکر شده در به‌هنگام‌سازی و صنعتی‌سازی گونه‌های اقتصادی سنتی خود در صیادی و تجارت (دریایی و جاده‌ای) با چالش‌های اقتصادی و وضعیتی متعددی مواجه است، با وضعیت رکود مواجه شد. در این وضعیت، صنعت گردشگری به‌عنوان راه‌حلی برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه مطرح شد. رشد گردشگری در قشم نه تنها سرمایه‌گذاری و توجه به نوسازی زیرساخت‌ها را افزایش داده بلکه به ایجاد فضاهای عمومی جدید و رونق اقتصادی منجر شده است. اما، عدم رعایت اصول توسعه پایدار و برنامه‌ریزی متوازن، این روند نوسازی و توسعه را با اثرات منفی جدی و عمیقی خصوصاً در ساختار این شهر بندرها همراه ساخته است، زیرا فضاهای جدید دیگر نه برای زیست‌روزانه مردم که عمدتاً برای گردشگران طراحی شده‌اند. موضوعی که ضرورت بازنگری در چارچوب‌های کلان توسعه منطقه برای بهره‌برداری کامل از مزایای گردشگری از طریق برنامه‌ریزی جامع و مشارکت همه‌جانبه را مؤکد می‌سازد، تا تمام بخش‌های جامعه از این تحول بهره‌مند شوند و تعادل بین نیازهای محلی و گردشگران حفظ شود.

### • تغییر در برنامه‌ریزی شهری

جزیره قشم با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود به‌عنوان بزرگترین جزیره خلیج فارس اهمیت اکولوژیک، اقتصادی و سیاسی خاصی دارد و بالاخص در سال‌های اخیر، تحت‌تأثیر ترویج گونه‌های جدید گردشگری توسعه این شهر مورد توجه مسئولین و سرمایه‌گذاری‌های موضعی قرار گرفته است. سیاست‌های توسعه گردشگری استان هرمزگان شامل شهر بندرهای مورد بررسی این پژوهش (به‌علت سبقت تاریخی و ویژگی‌های اقلیمی بارز آنها) نیز شده و آنها را در بر گرفته است. اما بررسی طرح‌های توسعه انجام شده در این زمینه و طرح‌های توسعه بالادست از عدم‌توازن در رویکردهای توسعه شهری خبر می‌دهد؛ به‌نحوی که غالب طرح‌های انجام شده و جاری در راستای سیاست‌های اقتصاد گردشگری محدود مانده و بافت سنتی و نیازهای مردم بومی - مگر در جایی که با این اقتصاد تقاطع داشته‌اند - کمتر مورد توجه بوده است. نمونه این نگاه نامتوازن را می‌توان در احیا بافت بومی شهر بندر کنگ دیده که با نگاهی کاملاً گردشگر محور و کالبدگرایانه رخ داده است.

طلب ارجحیت نگاه اقتصاد گردشگری در برنامه‌های توسعه شهری در حقیقت طلب توسعه زیرساخت‌های دریغ‌شده از این مناطق و توسعه‌های محقق نشده است. تا جایی که خود آگاهی نسبت به تغییرات و آسیب‌های احتمالی این شیوه شتابزده توسعه تک‌بعدی در برخی برنامه‌ها و پژوهش‌های انجام شده نیز قابل‌ردیابی است: «امروزه گردشگری نقش مهمی را در احیا و متنوع‌سازی اقتصادی جوامع ایفا می‌کند، اما در عین حال می‌تواند باعث تغییرات در محیط اجتماعی، اقتصادی و فضای زیستی نواحی

## بحث؛ بررسی نمونه‌های موردی

### • جزیره هرمز

در سال‌های اخیر به علت توجه گسترده گردشگران به جزیره هرمز، تغییرات وسیعی در سطح جزیره رخ داده است. در حالی که بافت سنتی شهر فرسوده، آشفته و مخروبه و جذب سرمایه و تغییرات کالبدی در نقاط گردشگری محدود مانده است. به همین ترتیب، ساخت فضاهای عمومی جدید و نوسازی مسیرهای شهری نیز غالباً در مجاورت حاشیه ساحلی و در راستای تأمین نیاز گردشگران شکل گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به تغییر در بافت حاشیه ساحل در نزدیکی اسکله گردشگری جزیره با ایجاد فضاهای عمومی نوظهور در شهری‌سازی پیاده‌روها و مبلمان شهری، مکان‌یابی امکانات خدماتی تفریحی و در نتیجه جابه‌جایی فضاهای جمعی و عرصه‌های عمومی شهری اشاره کرد.

در حالی که بافت مرکزی و سنتی جزیره هرمز با شکل فرسوده، آشفته و معبرهای خاکی تنگ باریک به حال خود رها شده‌اند و حیات اجتماعی پویایی در آن دیده نمی‌شود (تصویر ۲)، فضای اطراف مراکز گردشگری و توریستی از جمله فضای ورودی پایانه



تصویر ۲. فرسودگی معابر بافت سنتی هرمز در تقابل با نوسازی معابر حاشیه جزیره. عکس: آرشیو نگارنده.

گردد [شود]؛ آثار و پیامدهای این فعالیت بر جامعه به صورت فیزیکی، اقتصادی و یا اجتماعی نمایان خواهد بود... شهر می‌تواند ضمن افزایش منافع آن، تأثیرات منفی را به حداقل کاهش دهد» (الهی‌منش و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۴).

این موضوع تا بدان‌جا در منطق نظام برنامه‌ریزی شهری در این شهر بندرها نهادینه شده است که حتی نقدهای مطرح‌شده بر آنها عموماً تنها از زاویه «عدم انطباق در توزیع و شکاف عمیق در برخورداری از زیرساخت‌های گردشگری» در شهرستان‌های استان هرمزگان مورد توجه قرار گرفته است (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۱) و نه غفلت از وجوه دیگر توسعه و تغییرات تحمیل‌شده از این نگاه به ساختار شهرها.

لازم به ذکر است که این موضوع عموماً به علت جذابیت منظر دریا برای قشر گردشگر، سیاست‌های توسعه شهری را به گونه‌ای منفعلانه و به طمع بهره‌مندی هر چه سریع‌تر از مواهب اقتصادی حضور گردشگر، سمت دریا کشانده شده و در نتیجه این تمرکز فضاهای عمومی و تعاملی شهر نیز تغییر مکان داده‌اند.

### • تغییر فرهنگ و رفتارهای اجتماعی

با تغییر در اولویت‌ها، امکان مقایسه شرایط و امکانات و افزایش ارتباطات، تغییر سبک زندگی مردم امری طبیعی خواهد بود که عموماً با گذر زمان در همه جوامع رخ می‌دهد. این موضوع در خصوص شهر بندرهای استان هرمزگان با توجه بیش از پیش گردشگران در یک دهه اخیر، روندی پرشتاب و متفاوت با تغییر طبیعی سنت‌ها به خود گرفته است. این تغییر با مشاهده و برخورد جامعه محلی با سبک زندگی متفاوت گردشگران شتاب بیشتری یافته و با اثرگذاری در ناخودآگاه جمعی جامعه محلی زمینه برای تغییر رفتارهای اجتماعی به خصوص در اقشار جوان ایجاد می‌شود. این تغییر رفتار اجتماعی را گاه در شکل مترقی خود می‌توان در حضور هنرمندانی همچون احمد نادعلیان جست‌وجو کرد که با برخورد و امتناع اولیه قشر بومی نیز همراه بوده، اما به دلیل پذیرش دوسویه فرهنگی و همراه کردن آموزش و اقتصاد خرد محلی با این روند، قابل تبدیل به امری درون‌زا و مولد شده است. اما در سویه مقابل تغییر رفتار اجتماعی با ورود قشر جوان از کلانشهرها با سبک زندگی ویژه خود و برخورد طبقات کمتر برخوردار محلی با طبقات متوسط و بعضاً مرفه مرکز نشین با سبک زندگی خاص، به صورت تشدیدشونده‌ای امکان تغییر سبک زندگی در نسل‌های جوان شهر بندرهای هرمزگان را پدید می‌آورد. این موضوع در بستر سازمان فضایی شهر بندرها در تقضای بیشتر برای فضاهای عمومی تفریحی منطبق با سبک زندگی جدید مردم قابل‌رهگیری است. موضوعی که به تدریج و با همراهی جامعه محلی با ارزش‌های جدید و استحاله‌شده به بی‌رونی و از میان رفتن فضاهای سنتی شهری و تغییر مهم‌ترین اقدام‌های سازمان فضایی شهر بندرها منجر خواهد شد.

دریایی هرمز علاوه بر نوسازی‌های رخ داده با حضور کافه و رستوران و دست‌فروشان صنایع دستی (تصویر ۳) توانسته مورد توجه گردشگران قرار گیرد و مردم محلی را در شرایط بحران بیکاری به رها کردن مشاغل -عموماً سخت- پیشین خود و انجام مشاغل خدماتی در همین ناحیه تشویق کند.

بررسی طرح‌های در دست‌اقدام برای جزیره هرمز از سوی مدیران محلی نیز به سنگفرش شدن معابر شهری و تکمیل رینگ دور جزیره محدود مانده و به نظر افزودن رنگ و لعاب و مظاهر کالبدی آبادانی شهری بر بازسازی و توسعه فضاهای عمومی و نقش عمیق آنها در حیات اجتماعی و حفظ فرهنگ بومی ارجحیت داشته است. با تداوم توجه و استقبال وسیع گردشگران به نظر می‌رسد تقلیل سیاست‌های توسعه به نگاه کالبدی و در خدمت گردشگر موجب کم‌رنگ شدن عناصر هویتی شهر (فضای عمومی) و توسعه ناپایدار آن منجر خواهد شد.

#### • بندر کنگ

بندر کنگ دارای قدمتی بیش از ۳۰۰۰ سال است و بافت منسجم و

یکپارچه بندری آن که ریشه در ایران قبل از اسلام دارد در سال ۱۳۸۱ هـ.ش به‌عنوان اثر ملی ثبت شده است. «از زمان کریم خان زند سهولت ارتباط دریایی... رونق بازرگانی فوق‌العاده به لنگه و لنگ بخشید و وجود راه کاروانی کوتاه... بر اهمیت بازرگانی این دو بندر افزود» (مسقطی، ۱۳۸۷، به نقل از مفیدی شمیرانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۶۵). این مسئله حاکی از سبقه این شهر بندر و اقتصاد غالب کنگ در روند توسعه تاریخی آن دارد.

این بندر در سال‌های اخیر تحت تأثیر توسعه گردشگر محور با پروژه مرمت و نوسازی بافت تاریخی خود گردشگران زیادی را جذب کرده است. علیرغم اینکه در جریان این توسعه؛ اقامتگاه‌های بوم‌گردی، کافه‌ها و واحدهای خدماتی -گردشگری در فضای درونی بافت‌ها رشد یافتند (تصویر ۴) و ازین حیث در وضعیتی بهتر نسبت به نمونه قبلی قرار دارد، اما موضعی ماندن این رویکرد و گلخانه‌ای بودن آن، همچنان روند غالب توسعه شهرها را به تبعیت صرف از اقتصاد تجارت و گردشگری به سمت فضاهای شهری مجاور دریا کشانده است.



تصویر ۳. نوسازی پیاده‌راه و خیابان‌های حاشیه جزیره هرمز نشان از توجه به بافت مجاور دریا می‌دهد. عکس: آرشیو نگارنده.



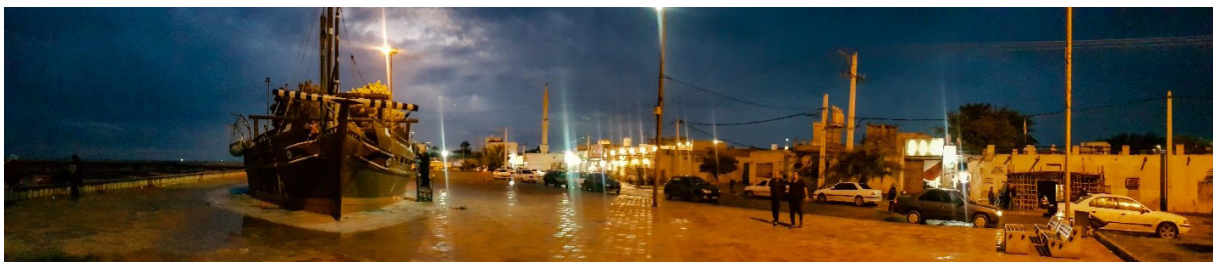
تصویر ۴. احیا کالبدی بافت تاریخی و تلاش برای تولید فضای جمعی. عکس: آرشیو نگارنده.

نذر و سایر مراسم آیینی ایجاد شده که کارکرد روشنائی بخشی به معابر عمومی و ایمنی برای اهالی را نیز با خود به همراه داشته است؛ این چنین امتزاج سنن اجتماعی و زیست شهری به ایجاد خدمات و امکاناتی چندوجهی برای اهالی و شهر منجر شده است. به بیان دیگر شکل و هویت این فضای عمومی نمونه‌ای از ساختار سنتی فضای عمومی در تعامل با فضای مقدس و در مرکز محله است که در ساختار فضایی آن سال‌ها نقش ایفا کرده است. در وضعیت کنونی از وضعیت فضای مورد بحث این چنین برمی‌آید که اهمیت پیشین آن در مقابل تحولات و ساخت فضاهای جدید کاسته شده و در شکل اندامی بخشی از بافت بومی شهر (با رونقی کمتر از گذشته) به حیات خود ادامه می‌دهد. در مقابل در ساختار جدید این شهر بندر، مرکز اجتماعی جدیدی در کنار دریا با تمرکز بر اقتصاد گردشگری رونق یافته است که مشتمل از مرکز رویدادمحور، کتابخانه، کافه و فضاهای عمومی جدیدی در حاشیه ساحلی لافت است. این فضا از جمله مظاهر رویکرد جدید در ساخت فضاهای عمومی و بیشتر متأثر از اقتصاد گردشگری است تا در خدمت مردم محلی (تصویر ۷).

تجرباتی همچون موزه مردم‌شناسی (تصویر ۵) و مرکز رویدادمحور در مجاورت ساحل از شواهد نوظهور این تحول گفتمانی و فضایی در شهر بندر کنگ بوده که در ساعات مختلف روز جمعیت زیادی از مردم محلی و گردشگران را به خود جذب کرده و پارک حاشیه ساحلی مورد استقبال مردم جهت تولید عرصه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

**• بندر لافت**

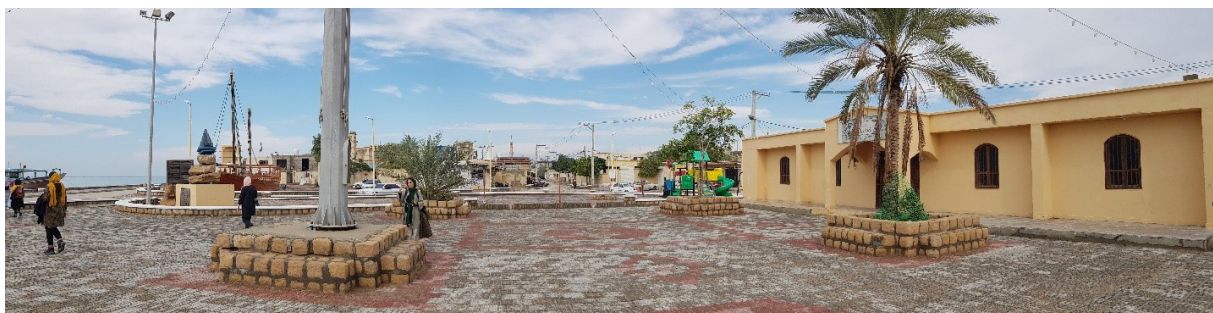
هسته اولیه روستای لافت در قسمت کهن و مرکزی روستای کنونی و در جوار چاه‌های آب و آب‌انبار و در امتداد ساحل شکل گرفته است. با پرشدن حدفاصل کنار دریا و دامنه تپه‌های کم‌ارتفاع، توسعه روستا در جهت شمالی-جنوبی در امتداد ساحل ادامه داشته است (اکبرپور سراسکانرود و نوربخش، ۱۳۸۹). بررسی‌های میدانی این شهر نشان می‌دهد که فضای عمومی سنتی این شهر که در مرکز این محله و در جوار مسجد شهر واقع و مکانی برای برگزاری مراسم آیینی و تجمع مردمی بوده است (تصویر ۶). فضای مجاور این مسجد برخلاف کوچه‌ها و معابر باریک و سایه‌انداز لافت-گشودگی فضایی قابل توجهی دارد و حتی در کنج دیواره‌های این فضای عمومی، محلی برای روشن کردن شمع به‌عنوان محلی برای ادای



تصویر ۵. موزه مردم‌شناسی و فضای جمعی روبه‌روی آن در حاشیه ساحلی که توانسته تبدیل به فضای جمعی جدید با حیات شهری شبانه پویا شود. عکس: آرشیو نگارنده.



تصویر ۶. فضای جمعی سنتی در بافت تاریخی لافت که در ارتباط با مسجد و آیین سنتی شکل گرفته است. عکس: آرشیو نگارنده.



تصویر ۷. نوسازی و ساخت‌وساز در حاشیه ساحلی در راستای تولید فضای جمعی جدید. عکس: آرشیو نگارنده.

## • جمع‌بندی

شود تا ضمن فهم سیستمی موضوع رشد یک‌جانبه شهر و هجوم اقتصاد گردشگری موجب توسعه ناپایدار، تغییرات برگشت‌ناپذیر سازمان فضایی شهر، عدم توجه به بافت سنتی و در نتیجه فرسودگی آن و همچنین تخریب و فراموشی فرهنگ مردم این منطقه نشود.

## نتیجه‌گیری

شهر بندرها و جزایر جنوب ایران همواره ارزش استراتژیک بالایی -چه به لحاظ جغرافیای سیاسی منطقه‌ای، چه اقتصاد دریایی و چه فرهنگی دارند و سازمان فضایی این شهرها انعکاس برهم‌آیی توأمان این مؤلفه‌ها بوده است. در گذر زمان با تغییر نسل و جریان اقتصادی غالب مردم شهر و تغییر معادلات اجتماعی - اقتصادی وابسته به آن، فضاهای عمومی درون بافت محلات سنتی علاوه بر ازدست‌دادن کارکرد پیشین خود، در شکل‌های جدید بازتولید شده و عموماً به سمت حاشیه دریا تغییر مکان داده‌اند. این پدیده در شهرهای سنتی هرمزگان همچون بندر لافت، کنگ و جزیره هرمز با پیشینه قابل تأمل تاریخ، ساختار شهری و آیین و سنن مسبوق به سابقه - که عموماً فضاهای جمعی در ساختار سازمان فضایی شهر و با ایجاد گشایش فضایی

بررسی‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی به همراه مصاحبه با مردم و مسئولین محلی در وهله اول خبر از این امر دارد که فضاهای عمومی در شهربندرها از نظر مکانی و هویتی در حال تغییر هستند. ردپای این تغییرات با کم‌رنگ شدن فضاهای تعاملی درون بافت و در مقابل توسعه فضاهای مشابه در حاشیه ساحل در غالب فضاهای تفریحی جدید همچون موزه، پارک و کافه قابل‌ردگیری است.

همچنین در بررسی عمیق‌تر آنچه از مطالعه نمونه‌های موردی می‌توان دریافت غلبه فضای اقتصادی گردشگر محور و تغییر گفتمان موردپذیرش مدیریت کلان، محلی، رسانه‌ها و سرمایه‌اندازی این تغییرات بر تحولات فضاهای عمومی شهربندرهاست. موضوعی با غفلت از تداوم حیات طبیعی اندام‌واره‌های شهری، نیاز مردم محلی، ریشه‌های تاریخی و تمدنی شهربندرها به‌طور کلی «زمینه و هویت» را در رده‌های پایین‌تری نسبت به جذابیت‌های اقتصادی جدید در مکان‌یابی و ساخت فضاهای عمومی قرارداده است (جدول ۱).

با وجود تغییرات سریع شهرها، بنادر و شهربندرها، نیاز است تا نیروهای مؤثر بر این تغییرات نیز به روشنی بررسی

جدول ۱. جمع‌بندی مطالعه نمونه‌های موردی با گستره‌بندی حوزه تمرکز تغییرات و تعیین پارادایم غالب توسعه آنها. مأخذ: نگارنده.

آسیب‌شناسی / حوزه تمرکز تغییرات  
گستره‌بندی شده

پارادایم غالب توسعه	تغییر فرهنگ و رفتار اجتماعی	تغییر در برنامه‌ریزی شهری	معادلات اقتصادی	فرسودگی بافت شهری	فضای مورد مطالعه	شهر / شهر بندر مورد مطالعه
- غلبه نگاه اقتصاد گردشگری بر سایر عرصه‌های اقتصاد محلی - توسعه نامتوازن					فضاهای عمومی و گردشگری کناره ساحل / بافت سنتی و مرکزی شهر	جزیره هرمز
- توسعه حفاظتی و موزه‌ای (گلخانه‌ای) - تغییر الگوی اقتصاد محلی با فعالسازي ظرفیت‌های اقتصاد گردشگری					معابر بافت تاریخی و فضای عمومی متصل به آن / فضاهای عمومی ساحلی	بندر کنگ
- حفظ الگوهای فضای شهری تاریخی - تغییر مراکز اجتماعی با تغییر الگوی اقتصاد محلی و فعالسازي فضاهای مرتبط با اقتصاد گردشگری					فضای عمومی مرکز تاریخی شهر (فضای عمومی پیرامون مسجد، تلوها و گشودگی گذرها) / فضای عمومی پیرامون دریا	بندر لافت

نسل، تغییر مناسبات اقتصادی و رویکرد گردشگر محور این شهرها جست و جو کرد.

از دیدگاه توسعه پایدار؛ دوام، اصلاح و بهینگی این تغییر ساختاری در تعامل پیوسته با ارزش‌های جوامع محلی، استفاده از سنت‌های منظرپردازی و توجه به نیازهای جامعه محلی در کنار ارائه خدمات به بازدیدکنندگان از فضا، مستتر است. در این چارچوب توجه به صنعت گردشگری اهمیت به‌سزایی دارد، اما لزوم حفاظت از بافت سنتی و حمایت از فرهنگ بومی مردم قشم ایجاب می‌کند تا توسعه در شهر به‌صورت همگن و با در نظر داشتن ویژگی‌های هویتی هر یک از شهر بندرهای این استان با رعایت هر سه اصل توسعه اقتصادی، اکولوژیک و اجتماعی گفتمان توسعه پایدار انجام شود.

در مجاورت اماکن مقدس و در درون مرکز محلات ایجاد می‌شده‌اند - رفته‌رفته تغییر کرده است. در این فرایند: - توسعه سرمایه‌محور با تسلط اقتصاد گردشگری موجبات تردید در گونه‌های سنتی زیست و ارزش‌های مستخرج از آنها را با تردید روبرو ساخته است.

- منظر شهر به‌مثابه متن قابل‌خوانش تحولات اجتماعی و ساختاری شهر با پاسخ تدریجی به این تردیدها پاسخ داده و فضاهای عمومی جدیدی را برای ارائه خدمات به مخاطبان جدید خود یعنی گردشگران محیا کرده است.

- توسعه ساختار شهری این بنادر به سمت دریا و فعالیت‌های رویدادمحور و مراکز اجتماعی با محتوای جدید در نزدیکی سواحل شکل گرفته است. ریشه این موضوع و امر شتاب بخش این تغییر را می‌توان در عوامل متعددی همچون تغییر

## پی‌نوشت‌ها

تحقیقاتی پژوهشکده نظر در دی ماه ۱۴۰۱ در استان هرمزگان انجام شده است.

\* این مقاله برآمده از طرح پژوهشی «منظر پیشرفت دریاپایه در هرمزگان» است که زیر نظر دکتر «سیدامیر منصوری» و توسط تیم

## فهرست منابع

قابل‌دسترس در:

<https://hormuzisland.com/%D9%87%D8%B1%D9%85%D8%B2-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1/>

• علی الحسینی، مهران. (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی. مسکن و محیط روستا، ۳۰(۱۳۴)، ۳۵-۴۸. <https://jhre.ir/article-1-4-fa.html>

• علی‌پور، روجا؛ خادمی، مسعود؛ سنماری، محمد مهدی و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۱). بررسی شاخصه‌های کیفیت محیطی در شناسایی اولویت‌های مداخله در محدوده بافت فرسوده شهر بندر لنگه. باغ نظر، ۹(۲۰)، ۱۳-۲۲. [https://www.bagh-sj.com/article\\_1173.html?lang=fa](https://www.bagh-sj.com/article_1173.html?lang=fa)

• غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸). منطق پژوهش تطبیقی. مطالعات اجتماعی ایران، ۳(۴)، ۷۶-۹۲. [http://www.jss-isa.ir/article\\_23430.html](http://www.jss-isa.ir/article_23430.html)

• قنبری، اسماعیل و حسینی‌نیا، مهدیه. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر توانمندسازی بافت فرسوده شهری بر ارتقای گردشگری بوم گرا؛ نمونه‌موردی: شهر ساحلی قشم. پژوهش‌های گردشگری و توسعه پایدار، ۴(۱۶)، ۱۱-۲۲.

• مفیدی شمیرانی، مجید؛ نیکقدم، نیلوفر و طاهباز، منصوره. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی شهرها، بنادر و جزایر جنوبی ایران در دوره قاجار با معیارهای آبادانی. باغ نظر، ۱۰(۲۶)، ۵۹-۷۰. [https://www.bagh-sj.com/article\\_3476.html?lang=fa](https://www.bagh-sj.com/article_3476.html?lang=fa)

• منشی‌زاده، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). اندر مقوله گردشگری. پیام مؤلف: منشی.

• موسوی، کامران. (۱۳۹۸). تشدید روند تخریب بافت‌های تاریخی شهرهای ایران و دلایل آن. پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، ۱۳۹(۱۹)، ۱۳۹-۱۶۰.

• نصرطاهره (۱۳۹۶) تبیین مؤلفه‌های هویت‌کلیدی شهر سنتی ایرانی (مناشهر، ۱(۲۱) ۳۳۱-۳۴۶ [https://www.warmanshahrjournal.com/article\\_58613.html?lang=fa](https://www.warmanshahrjournal.com/article_58613.html?lang=fa)

• نظم‌فر، حسین؛ عشقی چهاربرج، علی و علوی، سعیده. (۱۳۹۶). سطح‌بندی

• ابرقویی فرد، حمیده؛ مطلبی، قاسم و منصوری، سید امیر. (۱۴۰۲). «نظریه شکل خوب فضای عمومی» مروری انتقادی بر معیارهای شکل‌گیری فضای عمومی کارآمد. باغ نظر، ۲۰(۱۲۱)، ۳۷-۵۴. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.382820.5325>

• ابرقویی فرد، حمیده؛ منصوری، سیدامیر و مطلبی، قاسم. (۱۴۰۱). مروری روایی بر نظریه‌های مرتبط با مفهوم فضای عمومی در شهر، باغ نظر، ۱۹(۱۱۶)، ۸۵-۱۰۲. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.376257.5305>

• اعرابی، سید محمد. (۱۳۸۵). دستنامه برنامه‌ریزی استراتژیک. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

• اکبرپور سراسکانرود محمد و نوربخش، فاطمه. (۱۳۸۹). نقش اکوتوریسم در توسعه پایدار شهری و روستایی نمونه‌موردی: «جزیره قشم». مسکن و محیط روستا، ۲۹(۱۳۲)، ۶۱-۷۶. <https://jhre.ir/article-1-26-fa.html>

• الهی‌منش، محمدحسن؛ حسینی‌نژاد ماه خاتونی، سید باقر و یاسمی، محسن. (۱۳۹۷). نقش اقتصاد گردشگری در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر بندرعباس). علوم اجتماعی، ۱۲(۴۲)، ۴۷-۶۸. [https://journals.iau.ir/article\\_543951.html](https://journals.iau.ir/article_543951.html)

• براتی، ناصر؛ حدیری، فردین و ستارزاد فتحی، مانی. (۱۳۹۸). به‌سوی فرایندی دموکراتیک در برنامه‌ریزی و طراحی شهری: ارزیابی وضعیت مداخله شهروندان در برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران. باغ نظر، ۱۶(۷۶)، ۵-۲۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.135523.3627>

• جایکا. (۱۳۹۷). طرح جامع توسعه پایدار جامعه‌محور جزیره قشم. سازمان منطقه آزاد قشم.

• حقیقی بروجنی، سمر و رهروی پوده، ساناز. (۱۳۹۹). دگردیسی در فضاهای جمعی ایران تا انتهای عصر صفوی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۳(۲)، ۳۶۷-۳۹۸. <https://doi.org/10.22059/jhic.2021.307406.654165>

• درویشی، محمد. (۱۴۰۱). هرمز توسعه‌ای پایدار. تاریخ مراجعه: ۱۷/۵/۱۴۰۲.

- Hatuka, T. (2012). Civilian Consciousness of Mutable Nature of Power, Dissent Practices Along a Fragmented Border in Israel/Palestine. *Political Geography*, 31(6), 347-357. <https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2012.05.004>
- Hatuka, T. (2020). Alternating narratives: The dynamic between public spaces and meanings. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to Public Space* (pp. 358-365). Routledge.
- Hou, J. (2010). *Insurgent Public Space: Guerrilla Urbanism and the Remaking of Contemporary Cities*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203093009>
- Madanipour, A. (Ed.). (2010). *Whose Public Space?: International Case Studies in Urban Design and Development* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203860946>
- Mehta V. & Palazzo D. (Eds.) (2020). *Companion to Public Space*. Routledge.
- Mehta, V. (2014). Evaluating public spaces. *Journal of Urban Design*, 19(1), 53-88. <https://doi.org/10.1080/13574809.2013.854698>
- شهرستان‌های استان هرمزگان در بهره‌مندی از زیرساخت‌های گردشگری با استفاده از مدل تلفیقی کاندراست. گردشگری شهری، ۴(۲)، ۶۱-۷۹. <https://doi.org/10.22059/jut.2017.133323.120>
- Banerjee, T. (2001). The Future of Public spaces, Beyond invented streets and reinvented places. *Journal of the American Planning Association*, 67(1), 9-24. <https://doi.org/10.1080/01944360108976352>
- Crestani, A.M. & Irazábal, C. (2020) Public Space Challenges and Possibilities in Latin America. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to Public Space* (pp.390-398). Routledge. <http://doi.org/10.4324/9781351002189-31>
- Crestani, A.M.Z. & Brandão, B. (2018). The Public Space (In) Visible to the Eyes of Jane Jacobs. In R. Rocco (Ed.), *Jacobs is Still Here: Jane Jacobs 10, Her Legacy and Relevance in the 21st Century* (pp.48-54). Delft University of Technology. <https://doi.org/10.59490/mg.67>
- Harvey, D. (2012). *Rebel Cities: From the Right to the City to the Public Space*. Routledge. [https://books.google.com/books/about/Rebel\\_Cities.html?id=s4s5f7NnaZAC](https://books.google.com/books/about/Rebel_Cities.html?id=s4s5f7NnaZAC)

## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## نحوه ارجاع به این مقاله

حسینی نسب، سیده حسنا. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی تحولات فضای عمومی در سازمان فضایی شهر بندرهای هرمزگان تحت تأثیر تغییر پارادایم اقتصادی و فرهنگی (مورد مطالعه: لافت، کنگ، هرمز). منظر، ۱۶(۶۸)، ۲۶-۳۷.

DOI: 10.22034/manzar.2024.431496.2269

URL: [https://www.manzar-sj.com/article\\_204132.html?lang=fa](https://www.manzar-sj.com/article_204132.html?lang=fa)

